

گفتاری به زبان ساده درباره ارز

محمد بلوریان تهرانی

مقدمه

بر نمی آیند. وقتی قیمت کالاهای صنعتی افزایش می یابد، مصرف کننده ندرتاً ممکن است به دنبال کشف علت اصلی افزایش قیمت باشد؛ و وقتی نرخ برابری ارز رسماً تغییر می کند (و افزایش یابد)، دارندگان ارز خوشحال می شوند ولی نمی دانند که خوشحالی آنان دیری نمی پاید و پی آمد فوری افزایش نرخ ارز، افزایش ارزش کلیه کالاهای وارداتی و مصنوعات داخلی وابسته است و ریشه این افزایش، در کاهش ارزش ذاتی پول ملی به دلیل ضعف تولید، از نظر کیفی و کمی یا کاهش بهره وری و راندمان در صنایع، در افزایش هزینه ها، فرار از پرداخت مالیات، اجبار دولت به پرداخت بسیاری از هزینه های انتقالی، انجام برنامه های توسعه اقتصادی و هزاران نکته باریکتر از مو و در عین حال بسیار پراهمیت اقتصادی است.

در این گفتار، سعی می شود با زبان

این روزها، در محافل دوستانه، در جمع کارمندان ادارات دولتی، در سمینارها و گردهماییهای علمی و بویژه اقتصادی و بازرگانی و حتی در محافل خانوادگی، صحبت از ارز، قیمت روز آن، کاهش یا افزایش آن، آینده معیشت، ارتباط ارز با گرانی و بالاخره ارتباط ارز با سرنوشت این تورم حاد است. به راستی، چرا همه اقشار مردم، اعم از ذی نفع و غیرذی نفع نسبت به نرخ ارز حساس شده اند؟ اما لازم است گفته شود که ما بایست زودتر از این نسبت به علل افزایش نرخ ارز حساس می شدیم و رفتار اقتصادی خود را اصلاح می کردیم؟ وقتی که فروش فلان موسسه افزایش می یابد، نه مدیر، نه کارگر و حتی نه کارشناس یا مشاور اقتصادی موسسه به دنبال کشف علت افزایش فروش

بسیار ساده علل کاهش ارزش پول ملی که مآلاً می‌تواند چند علت از چندین علل کاهش ارزش خارجی پول نیز باشد، بیان گردد.

ارز یعنی چه؟

در فرهنگ «معین»، ارز به ارزش، بهاء، قیمت و نرخ یا برابری پول داخلی با پولهای بیگانه تعریف شده است. در مکالمات بازرگانی و اقتصادی امروز، ارز به معنی پول رایج خارجی استفاده شده و در واقع ترجمه عبارت "FOREIGN EXCHANGE" می‌باشد. بدین ترتیب «ارز» ذاتاً به معنی پول خارجی است و اضافه کردن صفت خارجی به دنبال لغت ارز صحیح نیست و از آنجا که پول یک کشور خارجی نه فقط به صورت اسکناس بلکه به صورت مسکوک، چک بانکی، حواله، سفته، چک مسافرتی و برات نیز یافت می‌شود، بنابراین امروز به تمام صور فوق گفته می‌شود.

بازار ارز، محل فیزیکی معینی نیست، بلکه مکانیسمی است که خریداران و فروشندگان ارز را به یکدیگر نزدیک می‌کند.

در نظام بانکی ایران، کلیه ارزها یعنی تمام پولهای خارجی، قابل معامله یا تبدیل

نیستند. بدین صورت که قسمتی از آنها قابل معامله و قسمتی غیرقابل معامله شناخته شده‌اند.

در حال حاضر ارزهایی که شعب ارزی بانکهای ایرانی مجاز به خرید و فروش آنها هستند عبارت‌اند از: دلار آمریکا، دلار استرالیا، فرانک بلژیک، شیلینگ اتریش، مارک آلمان، فرانک فرانسه، لیر ایتالیا، ین ژاپن، فلورن هلند، کرون نروژ، لیره انگلیس، کرون سوئد، کرون دانمارک، فرانک سوئیس، پزوتا اسپانیا، درهم امارات متحده عربی، روپیه هندوستان و روپیه پاکستان.

بازار ارز کجاست؟

«ریسون بار» اقتصاددان معاصر و معروف فرانسوی، تعریف ساده‌ای از بازار به شرح زیر داده است: «بازار به معنی تجمع گروهی از مصرف‌کنندگان است که دارای نیازهای مشترکی بوده و وسیله پرداخت معینی را نیز در اختیار داشته باشند» این تعریف هم در مورد بازار کالاها و هم در مورد بازار پول، سرمایه و ارز صادق است. بنابراین بازار ارز، محل فیزیکی مشخصی نیست، بلکه مکانیسمی است که خریداران و فروشندگان ارز را برای انجام معامله یا داد و ستد ارز با پول ملی به یکدیگر نزدیک می‌نماید. بدیهی است در این بازار، مصرف‌کنندگان ارز، یعنی خریداران ارز،

را تهدید کرد و یا اقتصادی را نجات داد و بالاخره می توان در شئون سیاسی و اقتصادی ملتها دخالت نمود.

نرخ ارز یعنی چه؟

نرخ ارز عددی است که ارزش پول کشوری را بر حسب ارز یا پول کشور خارجی در زمان معین، نشان می دهد.

در بیان نرخ ارز، معمولاً دو روش وجود دارد: یکی از روشها این است که پول ملی به عنوان پول پایه و ارز به عنوان پول متغیر معرفی و محاسبه شود که این روش در بازارهای ارزی انگلیس و استرالیا مورد استفاده است و به صورت زیر بیان می شود: دلار آمریکا $1/97 =$ یک لیره انگلیس در روش دیگر، ارز یا پول خارجی به عنوان پایه و پول ملی به عنوان متغیر معرفی و محاسبه می شود، مانند:

لیره انگلیس $0/78 =$ یک دلار آمریکا امروزه به علت تسلط دلار به عنوان ارز قوی، در اغلب بازارهای ارزی دنیا به غیر از انگلیس و استرالیا، از روش پایه دلار استفاده می شود.

نرخ ارز، همه روزه در حدود ساعت ۱۰ صبح توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران اعلام می شود.

شامل: واردکنندگان شرکتهای حمل و نقل، بیماران، دانشجویان مقیم خارج، مسافران به کشورهای خارجی، حجاج، جهانگردان و هر نوع متقاضی ای است که مایل است قسمتی از پول ملی را به هر دلیلی با پول خارجی تعویض نماید. در این بازار فروشندگان ارز را صادرکنندگان، شرکتهای حمل و نقل دریایی، هوایی و زمینی، سفارتخانه ها کنسولگریها، شرکتهای خارجی، دانشجویان، شرکتهای خدماتی و از همه مهمتر دولت به عنوان بزرگترین واردکننده و بزرگترین صادرکننده تشکیل می دهند.

از جانب دیگر، دلالات ارز نقش مهمی در این بازار دارند. دلالات، خریدار و فروشنده یا تقاضاکننده و عرضه کننده ارز را با یکدیگر نزدیک ساخته و در این بین حق العمل خود را دریافت می دارند. معمولاً دلالات به علت محدودیت امکانات مالی، به ندرت مقادیر کلانی ارز را به حساب خود خریده و شخصاً به فروش می رسانند، بلکه فقط برای مشتریان خود اقدام به انجام معامله می نمایند.

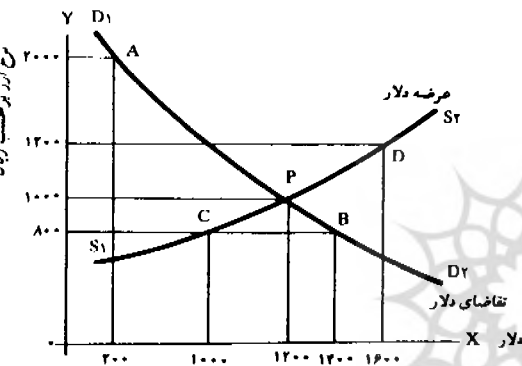
نقش و وظیفه بازار ارز، تبدیل ارزها به یکدیگر و یا انتقال قدرت خرید از یک کشور به کشور دیگر می باشد. بنابراین بازار ارز یک بازار جهانی است، مکان مشخصی ندارد، دارای نظامهای ارتباطی سریع و پیچیده است. به کمک آن می توان اقتصادی

نرخ ارز چگونه تعیین می شود؟

اجتماعی تعیین می کند.

در کشورهای پیشرفته صنعتی، علی رغم ثبات نرخ ارز، دولتها در مواقع ضروری به طور غیرمستقیم در بازار دخالت نموده و نرخ ارز را کاهش یا افزایش می دهند.

برای سهولت درک مطلب، تعیین نرخ ارز شناور، به کمک رسم منحنیهای عرضه و تقاضای ارز نشان داده می شود.



شکل ۱- عرضه و تقاضا

دو روش تعیین نرخ ارز وجود دارد: در کشورهایی که ورود و خروج ارز آزاد می باشد و دولت و بانک مرکزی نوعاً در بازار ارز دخالتی ندارند، در حقیقت یک بازار جهانی ارز وجود دارد، ورود و خروج ارزهای مختلف در آن آزاد می باشد و نظام ارزی آن، نظام آزاد ارز نامیده می شود. در حالت دیگر، در کشورهایی که ورود و خروج ارز تحت کنترل دولت و بانک مرکزی است، بازار ارز یک بازار داخلی، محدود و تحت کنترل است و نظام ارزی، نظام کنترل ارز نامیده می شود. در نظام آزاد ارز، نرخ ارز، نرخ شناور است، بدین معنی که نوسانات عرضه و تقاضای ارز، قیمت آن را تعیین می کند و این قیمت یا برابری، تابع تغییرات عرضه و تقاضا و اصطلاحاً شناور است.

بسه کمک تغییر در نرخ ارز، می توان اقتصادی را نجات داد یا اقتصادی را تهدید کرد.

اگر روی محور مختصات OX مقادیر دلار مورد عرضه یا تقاضا و روی محور مختصات OY، نرخ ارز برحسب ریال را نمایش دهیم، می توان منحنیهای عرضه و تقاضای دلار را به ترتیب مذکور در شکل نشان داد.

منحنی تقاضای دلار (D_1, D_2) یک خط مستقیم یا منحنی با شیب نزولی است. این منحنی به کمک روش نقطه یابی به دست

در نظام کنترل ارز، نرخ ارز، نرخ ثابت است، بدین معنی که نرخ، توسط دولت تعیین و دیکنه می شود. دولت عمده ترین خریدار و فروشنده ارز است و نرخ را براساس ملاحظات سیاسی، اقتصادی و

می آید، فی‌المثل گفته می‌شود، اگر نرخ برابری دلار نسبت به ریال ۲۰۰۰ باشد، در این قیمت، تقاضای بازار برای خرید آن ۲۰۰ واحد است (نقطه) ۸ و اگر نرخ برابری دلار نسبت به ریال ۸۰۰ باشد، در این قیمت، تقاضای بازار برای خرید آن ۱۴۰۰ واحد است (نقطه) B. بدین ترتیب و با اتصال نقاط مختلف یک منحنی به دست می‌آید که تغییرات مقادیر مورد تقاضا را بر حسب قیمت یا نرخ برابری نشان می‌دهد.

منحنی عرضه دلار (S₁S₂) نیز یک خط مستقیم یا منحنی با شیب صعودی است. این منحنی نیز به کمک روش نقطه‌یابی به دست می‌آید، مثلاً گفته می‌شود، اگر نرخ برابری دلار نسبت به ریال ۸۰۰ باشد، در این قسمت، عرضه‌کنندگان دلار فقط ۱۰۰۰ واحد از آن را برای فروش عرضه می‌کنند (نقطه) C و ولی اگر نرخ برابری دلار نسبت به ریال ۱۲۰۰ ریال باشد، عرضه‌کنندگان حاضرند در این قیمت، ۱۶۰۰ واحد از آن را به فروش برسانند (نقطه) D بدین ترتیب و با اتصال نقاطی مانند C و D به یکدیگر یک منحنی به دست می‌آید که تغییرات مقادیر مورد عرضه را بر حسب قیمت یا نرخ برابری نشان می‌دهد.

نرخ شناور، نرخ است که پس از جابه‌جایی‌های بسیار و در شرایطی که عرضه‌کنندگان و تقاضاکنندگان بیشماری وجود داشته باشند، در نقطه P، یعنی

نقطه‌ای که ۱۲۰۰ واحد ارز در قیمت ۱۰۰۰ ریال مورد داد و ستد قرار می‌گیرد، تعیین می‌شود. برخلاف این حالت، در تعیین نرخ ثابت ارز، مکانیسم عرضه و تقاضا حاکمیت ندارد، یعنی دولت به عنوان تنها خریدار و تنها فروشنده ارز و بدون اینکه مقادیر عرضه و تقاضا را در محاسبه دخالت دهد، با توجه به منافع ملی یا سیاسی و اقتصادی، نرخ معینی را تعیین و اعلام می‌نماید. در این شرایط، خرید و فروش ارز تابع مقررات خاصی قرار می‌گیرد و معمولاً در ورود و خروج ارز توسط نیروهای انتظامی کنترل می‌گردد.

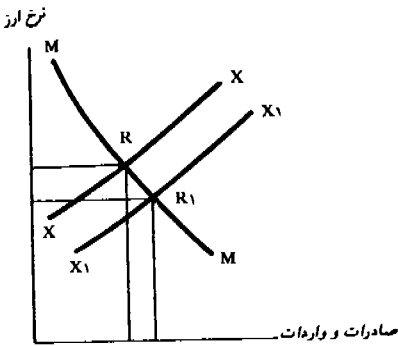
رابطه نرخ ارز با صادرات و واردات چیست؟

صادرکنندگان کالا یکی از منابع بزرگ عرضه ارز به داخل کشور هستند و صادرات، فی‌الواقع به معنی تعویض کالای داخلی با ارز است.

واردکنندگان نیز به نوبه خود از منابع بزرگ تقاضای ارز و یا عامل خروج ارز از کشور محسوب می‌گردند و به دیگر سخن، واردات به معنی خرید یا تهیه کالای خارجی با ارز است.

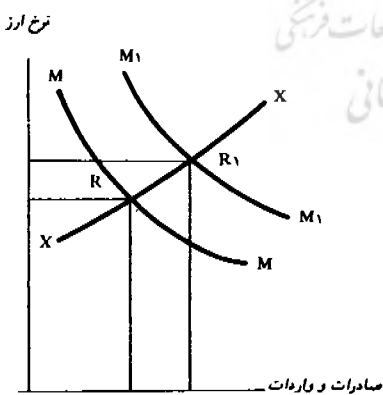
همان‌گونه که قبلاً در مورد تعیین عرضه و تقاضای ارز از روش نقطه‌یابی استفاده شد، در این مورد نیز می‌توان به

کمک روش نقطه‌یابی منحنی‌های صادرات و واردات را برحسب نرخ ارز به صورت زیر نشان داد:

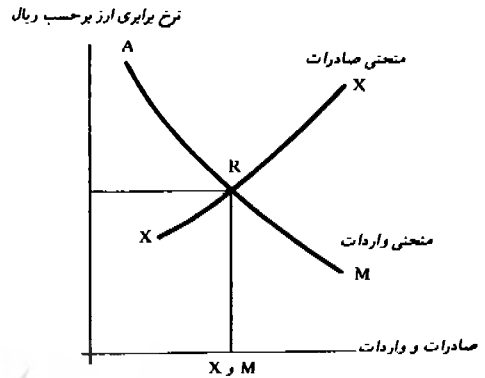


شکل ۳- کاهش نرخ ارز در نتیجه افزایش صادرات

در شرایط دیگر، اگر منحنی (MM) یا واردات از وضعیت اول به حالت (M_1, M) درآید، (شکل ۴) یعنی افزایش یابد، نقطه R در وضعیت جدید (R_1) قرار خواهد گرفت، یعنی با افزایش واردات و به تبع آن افزایش تقاضا برای دلار در بازار، قیمت یا نرخ برابری ارز افزایش خواهد یافت.



شکل ۴- افزایش نرخ ارز در نتیجه افزایش واردات



شکل ۲- صادرات و واردات

در شکل فوق منحنی (XX) نشان دهنده صادرات و منحنی (MM) نشان دهنده واردات است و نقطه R نقطه‌ای است که میزان معینی از صادرات در برابر همان میزان از واردات انجام شده و نرخ برابری را در حد (R) نشان می‌دهد.

حال اگر منحنی (XX) یا صادرات از وضعیت اول به حالت (X_1, X) درآید، (شکل ۳)، یعنی افزایش یابد، نقطه R در وضعیت جدید (R_1) قرار خواهد گرفت، یعنی با افزایش صادرات و به تبع آن افزایش عرضه دلار در بازار، قیمت یا نرخ برابری ارز کاهش می‌یابد.

تعیین نرخ ارز با توجه به نظریه برابری قدرت خرید

درنظام آزاد ارز، نرخ ارز با توجه به تغییرات و نوسانات عرضه و تقاضای ارز، تعیین شده و بانک مرکزی در این مورد دخالتی ندارد.

نظریه برابری قدرت خرید (Purchasing Power Parity) که اختصاراً به P.P.P اشتهاز یافته، توسط پرفسور کاسل - اقتصاددان معروف سوئدی - در سال ۱۹۲۴ ابراز گردیده است. به موجب این نظریه، نرخ ارز، یعنی نرخ تبدیل پول دو کشور، در تجارت خارجی براساس مقایسه سطح عمومی قیمت‌ها در دو کشور یا مقایسه قدرت خرید داخلی پولها تعیین می‌گردد، یعنی در صورتی که تجارت بین دو کشور آزاد باشد و دولت‌ها در امور ارزی دخالت ننمایند، نرخ ارز در سطحی تعیین می‌گردد که قدرت خرید پولها در هنگام خرید یک سبد کالا و خدمت در کشور الف با همان سبد کالا و خدمات در کشور ب مساوی باشد؛ بدین صورت که اگر مجموعه‌ای شامل یک کیلو برنج، یک کیلو روغن، یک جفت کفش، نیم ساعت خدمت دندانپزشکی و یک مسیر اتوبوس در کشور الف ۵۰/۰۰۰ ریال و در کشور ب ۲۵ دلار باشد، پس ۲۵ دلار، قدرت خریدی معادل ۵۰۰۰۰ ریال دارد، یعنی قدرت خرید هر دلار با قدرت خرید ۲۰۰۰ ریال برابر است پس هر دلار معادل ۲۰۰۰ ریال ارزش دارد.

علل افزایش نرخ ارز در ایران چیست؟

افزایش نرخ ارز، معلول عدم تعادلها، مشکلات ساختاری اقتصاد، تورم، کمبود مواد اولیه صنعتی، کاهش عرضه ارز (در نتیجه نقصان صادرات)، تحریم اقتصادی و همچنین تمایل به تبدیل داراییهای نقدی از حالت ریالی به حالت دلاری است. ذیلاً سعی می‌شود با توضیح بیشتر در مورد هرکدام از علل فوق، ریشه یا دلیل افزایش نرخ ارز تا حدودی که به آن علت مربوط است شناسائی گردد.

اصولاً لازم به ذکر است که مشکلات ساختاری اقتصاد، مانند: افزایش هزینه‌های دولت، کسر بودجه، اجرای طرحهای عمرانی، انتشار اسکناس جدید بدون تامین پشتوانه، بدهی دولت به بانک مرکزی و بالاخره استقراض خارجی، همه و همه منجر به تورم و ترقی نرخ ارز و مآلاً کاهش ارزش پول ملی خواهد گردید. نقصان ارزش پول ملی دارای دو جنبه و دو اثر است: یکی، اثر بر روی ارزش داخلی پول، یعنی تورم و گرانی مداوم قیمت‌ها و دیگری اثر بر

افزایش نرخ ارز ناشی از مشکلات ساختاری اقتصاد، تورم، کسر بودجه های مداوم، کاهش صادرات، تحریمهای اقتصادی، و بالاخره تمایل به تبدیل دارایی های هسته از صورت ریالی به حالت ارزی است.

نتیجه اینکه: اگر تورم در کشور ما بیش از تورم جهانی باشد، برای حفظ توان رقابتی و ایجاد تعادل در مبادلات خارجی کشور، باید به تناسب اضافه نرخ تورم داخلی نسبت به تورم جهانی، از ارزش پول ملی کاسته شود، یعنی نرخ ارز افزایش یابد.

ب - هزینه های سرمایه گذاری

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، درآمدهای دولت محدود و هزینه ها در حال فزونی است، بویژه آنکه سرمایه گذاریهای سنگین و زیربنایی از قبیل: ساختمان، راهها، پلها، اسکله ها، کارخانجات ذوب فلزات، کارخانجات ساخت ماشین آلات و ... در برنامه های دولت وجود داشته است. انجام این برنامه ها نیازمند به وجود منابع مالی است و این منابع در کشور در حال توسعه، معمولاً به حد کافی وجود ندارد. بنابراین یا باید دولت این منابع را از کشورهای خارجی قرض نماید، و یا اینکه از بانک مرکزی (که بعضاً تحت امر اوست) وام بگیرد و در هر

روی ارزش خارجی پول، یعنی ترقی نرخ ارز یا به عبارت دیگر کاهش برابری پول ملی در برابر پول خارجی.

الف - تورم یا افزایش مستمر در سطح عمومی قیمتها

اگر علل و موجبات تورم شناخته شوند، می توان گفت همان علل و موجبات، باعث کاهش ارزش خارجی پول ملی نیز شده اند. «تورم»، لغت شناخته شده ای است، اما برای افراد غیراهل فن، چندان هم روشن نیست. یکی از بهترین و ملموس ترین تعابیر تورم این است که هرگاه مقدار پول منتشر شده ای که برای انجام معاملات در اختیار مردم است نسبت به مقدار پولی که منطقیاً افراد به آن نیاز دارند، فزونی یابد، مقدار پول در گردش افزایش می یابد، ولی تولید کالاها (و انجام خدمات) افزایش نمی یابد و بدین ترتیب تعادل بین پول و تولیدات به هم می خورد و هر واحد تولید، سهم بیشتری از پول در گردش را می طلبد، یعنی قیمتها افزایش می یابند. تعریف ساده تر دیگری تورم را فزونی تقاضا بر عرضه عنوان می کند. ولی به هر حال هر وقت، جمیع وسایل پرداخت، اعم از پول نقد یا اعتبار بانکی، بیشتر از احتیاجات اقتصادی کشور باشد، و به موازات افزایش وسایل پرداخت (یعنی پول)، تولیدات ملی افزایش نیابد، تورم گریبانگیر جامعه می شود.

دو حال مقادیر زیادی پول به جامعه تزریق شده ولی تولیدی (به فوریت) صورت نگرفته و به ناچار تورم و افزایش قیمت‌ها ایجاد می‌گردد.

ج - کسر بودجه

کسر بودجه به معنی تفاوت درآمدها از هزینه‌های دولت است. یکی از علل اصلی کسر بودجه، کاهش درآمدهای داخلی، از

قبیل: انواع مالیات و فرار مردم و شرکتها از پرداخت مالیات و عامل دیگر وجود یا افزایش هزینه‌های مربوط به برنامه‌های توسعه اقتصادی است و چون این‌گونه هزینه‌ها به کمک انتشار اسکناس یا به عبارت دیگر وام گرفتن دولت از بانک مرکزی تامین مالی می‌شود، تورم به وجود می‌آید (جدول ۱)

جدول ۱ - آمار کسر بودجه سنواتی دولت

واحد: میلیون ریال

سال	کسر بودجه	درصد کسری بودجه نسبت به هزینه‌ها
۱۳۵۷	۳۸۷/۴	۱۹/۵
۱۳۵۸	۵۲۸/۳	۲۳/۷
۱۳۵۹	۹۷۲/۵	۴۲/۷
۱۳۶۰	۱۰۵۵/۵	۳۹
۱۳۶۱	۸۹۸	۲۷/۵
۱۳۶۲	۹۵۴/۳	۲۵/۶
۱۳۶۳	۶۳۸/۸	۱۹/۱
۱۳۶۴	۶۴۷	۱۹/۵
۱۳۶۵	۱۴۴۹	۴۵/۹
۱۳۶۶	۱۴۶۹/۱	۴۰/۴
۱۳۶۷	۲۱۲۵/۲	۵۰/۵
۱۳۶۸	۱۱۴۲/۱	۲۶/۴
۱۳۶۹	۴۱۸۱۶	۱۰/۷
۱۳۷۰	۱۱۵۷/۳	۱۴/۳
۱۳۷۱	۱۰۹۱/۹	۹/۹

مأخذ: ۱ - محمد بلوریان نهرانی. بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱)، در مورد ارقام تا سال ۱۳۶۷

۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، صفحه تحولات اقتصادی. ۱۳۷۱، در مورد ارقام سالهای بعد

د - نقدینگی

در هر دوره مالی، باید مقداری از ارزش تولیدات (یعنی درآمد) مصرف شده و مقداری نیز پس انداز گردد. این پس اندازها به صورت وام و اعتبار، مجدداً به سوی تولید برگردد و موجبات سرمایه‌گذاری جدید را فراهم آورد.

نقدینگی جامعه از تجمع پول و شبه پول به وجود می‌آید. حجم پول جامعه مرکب از: اسکناسها و مسکوکات در دست افراد و مؤسسات و سپرده‌های دیداری (حسابهای جاری است) و شبه پول مرکب از انواع سپرده‌های مدت‌دار و سپرده‌های پس انداز است.

منبع اصلی عرضه دلار در بازار ارزی ایران، درآمد نفت است و هرگاه این درآمد کاهش یابد، نرخ ارز افزایش می‌یابد.

گاهی اوقات، دولت‌ها به منظور پرداختهای عاجل خود، متوسل به نظام بانکی شده و موجب می‌شوند تا مقادیری اسکناس جدید منتشر گردد. بدین ترتیب به حجم نقدینگی جامعه افزوده می‌گردد، به تعبیر دیگر افزایش بدهی دولت به نظام بانکی، باعث افزایش نقدینگی می‌شود. گاهی اوقات نیز بخش خصوصی به کمبود نقدینگی دچار می‌گردد که برای تأمین مالی برنامه‌های خود به نظام بانکی بدهکار می‌شود و در این حالت نیز نقدینگی کل جامعه افزایش می‌یابد.

پس اندازهایی، به صورت خرید فرش اضافی، خرید اتومبیل اضافی، خرید طلا و ارز و سایر انواع دارایی که ماهیت پولی قابل برگشت به تولید را ندارند، تورم‌زا هستند

و - روحیه و احساس عدم امنیت

یکی از مهمترین علل تورم، روحیه بی‌اعتمادی، بی‌علاقگی، عدم حمیت، بی‌ثباتی اقتصادی و بالاخره عدم همکاری با نظام اقتصادی است. در چنین شرایطی، افراد دچار نوعی حالت ولع شده و با نگرانی از آینده به خریدهای حریصانه، احتکار و تبدیل داراییها از حالت نقدی به صورت ارز و طلا می‌پردازند، نظیر چنین حالاتی در شرایط جنگی نیز مشاهده

به هر حال افزایش نقدینگی در جامعه می‌تواند باعث افزایش تقاضا و بروز تورم گردد و با توجه به اینکه افزایش نقدینگی لزوماً با افزایش تولید ناخالص داخلی ملازمه ندارد، این عدم تعادل، از ارزش داخلی پول خواهد کاست. (جدول ۲ و ۳)

ه - پس اندازهای غیرپولی

در یک جامعه اقتصادی، در هر سال یا

می‌شود که باعث تورم و افزایش قیمت‌ها می‌گردد.

کاهش ارزش خارجی آن نیز می‌گردند. بنابراین ضرورت دارد از هر عملی که موجب تورم می‌شود، احتراز گردد.

در نظام آزاد، عوامل فوق نه فقط باعث کاهش ارزش داخلی پول، بلکه موجب

جدول (۲) - آمار نقدینگی بخش خصوصی

واحد: میلیارد ریال

سال	نقدینگی	درجه افزایش سالانه
۱۳۵۷	۲۵۷۸/۶	-
۱۳۵۸	۳۵۵۰	۳۷/۶
۱۳۵۹	۴۵۰۸/۱	۲۶/۹
۱۳۶۰	۵۲۳۶/۱	۱۶/۱
۱۳۶۱	۶۴۳۰/۷	۲۲/۸
۱۳۶۲	۷۵۱۴/۴	۱۶/۸
۱۳۶۳	۷۹۶۶/۹	۶
۱۳۶۴	۹۰۰۲/۱	۱۳
۱۳۶۵	۱۰۷۲۲/۷	۱۹/۱
۱۳۶۶	۱۲۶۶۸/۲	۱۸/۱
۱۳۶۷	۱۵۶۸۷/۶	۲۳/۸
۱۳۶۸	۱۸۷۵۳/۳	۱۹/۵
۱۳۶۹	۲۲۹۶۹/۵	۲۲/۵
۱۳۷۰	۲۸۶۲۸/۴	۲۴/۶
۱۳۷۱	۳۵۸۶۶	۲۵/۲

مأخذ: ۱ - محمد بلوریان تهرانی. بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، ۱۳۷۱) ارقام تا سال ۱۳۶۹

۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی، سال ۷۰ - رقم سال ۱۳۷۰

۳ - همان، سال ۷۱، رقم سال ۱۳۷۱

جدول (۳) آمار تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری (قیمت بازار)

(ارقام به میلیارد ریال)

رشد سالانه	تولید ناخالص داخلی (GDP)	سال
-	۳۰۲۶	۱۳۵۳
٪۱۱/۶	۳۳۷۷	۱۳۵۴
٪۳۴/۷	۴۵۴۸	۱۳۵۵
٪۱۸	۵۳۶۴	۱۳۵۶
٪۲	۵۲۷۲	۱۳۵۷
٪۱۷	۶۱۶۳	۱۳۵۸
٪۷/۶	۶۶۳۲	۱۳۵۹
٪۲۰/۷	۸۰۰۹	۱۳۶۰
٪۳۱/۶	۱۰۵۴۰	۱۳۶۱
٪۲۷	۱۳۳۷۶	۱۳۶۲
٪۱۰/۷	۱۴۸۰۴	۱۳۶۳
٪۶/۶	۱۵۷۷۵	۱۳۶۴
٪۳	۱۶۲۲۷	۱۳۶۵
٪۲۳/۶	۱۹۹۵۰	۱۳۶۶
٪۱۸	۲۳۵۸۸	۱۳۶۷
٪۲۰	۲۸۲۸۸	۱۳۶۸
٪۲۸	۳۶۳۰۹	۱۳۶۹
٪۲۹	۴۶۷۷۷	۱۳۷۰
٪۴۱	۶۶۰۰۵	۱۳۷۱

مأخذ:

- ۱ - محمد، بلوریان تهرانی، بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور، (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱) ارقام تا سال ۱۳۶۹
- ۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه تحولات اقتصادی، سال ۷۰ - رقم سال ۱۳۷۰.
- ۳ - همان، سال ۷۱، رقم سال ۱۳۷۱.

ز - کاهش درآمد نفت

نفت بوده و هست. هر قدر صادرات و فروش نفت بیشتر شود، عرضه دلار افزایش یافته و بها یا نرخ برابری آن با ریال، کاهش می‌یابد و هر قدر در نتیجه فشارها و تحریمهای سیاسی و اقتصادی، صادرات ارزش فروش نفت کاهش یابد، قیمت دلار در بازار ارزی ایران افزایش می‌یابد.

اقتصاد ایران یک اقتصاد وابسته به نفت است. ارقام مندرج در جدول نشان می‌دهد که در سالهای مورد بررسی تقریباً ۹۰ درصد از درآمدهای ارزی کشور از طریق صادرات نفت بوده است. منبع اصلی عرضه دلار در بازار ارز ایران، صادرات و فروش

جدول ۴ - درآمد نفت در سالهای مختلف

ارقام به میلیارد ریال

درآمد نفت	سال
۹۳۷/۹	۱۳۶۰
۱۵۶۳/۵	۱۳۶۱
۱۷۷۹/۴	۱۳۶۲
۱۳۷۳/۲	۱۳۶۳
۱۱۸۸/۷	۱۳۶۴
۴۱۶/۸	۱۳۶۵
۷۶۶/۲	۱۳۶۶
۶۶۷/۸	۱۳۶۷
۷۷۰/۸	۱۳۶۸
۱۱۱۸/۳	۱۳۶۹
۱۰۲۷/۱	۱۳۷۰
۱۰۶۰/۸	۱۳۷۱

مأخذ:

۱ - محمد بلوریان تهرانی، بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱) در مورد ارقام تا سال ۱۳۶۹

۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش تحولات اقتصادی کشور، ۱۳۷۱، در مورد ارقام سالهای ۱۳۷۰ و ۱۳۷۱

در شرایط فعلی با کاهش ارزش هر بشکه نفت، جلوگیری از افزایش تولید و افزایش صادرات نفت ایران، درآمد نفتی کشور تا حد $\frac{2}{3}$ درآمد نفتی در اوایل دهه ۶۰ کاهش یافته است. (به جدول شماره ۴ مراجعه نمایید).

جدول ۵ صادرات نفتی و غیرنفتی ایران در ۱۵ سال اخیر مشاهده می شود).

ط - تقاضای واردکنندگان

واردکنندگان کالا برای پرداخت بهای کالاهای وارداتی به ارز نیازمند هستند. هرچه تقاضای واردکنندگان کالا برای خرید ارز به قصد پرداخت به صادرکننده خارجی افزایش یابد، نرخ ارز افزایش خواهد یافت.

ی - تقاضای بیماران، مسافری و دانشجویان هرچه تعداد بیشتری بیمار، مسافر و دانشجو به بازار ارز مراجعه کند و هر قدر ارز درخواستی بیشتر باشد، در شرایط ثابت، نرخ ارز در بازار ترقی خواهد کرد. در شکل (۴) منحنی M_1 M_2 در وضعیتی است که تقاضای بیشتری را نشان می دهد و نرخ R_1 بیش از نرخ R می باشد.

ک - ذخیره ارزی هر قدر ذخایر ارزی یک کشور بیشتر باشد، نرخ ارز در بازار ارزی آن کشور، پائین تر است و هر قدر ذخایر ارزی یک کشور، کاهش یابد، نرخ ارز، افزایش پیدا می کند. البته رابطه عددی دقیقی در این مورد وجود ندارد، ولی معمولاً چنین ارتباطی دیده می شود.

ح - کاهش درآمد صادرات غیرنفتی یکی دیگر از علل افزایش نرخ ارز، کاهش ورود ارز از طریق صادرات غیرنفتی است. مهمترین علت عدم موفقیت در صادرات غیرنفتی، فقدان یا نقصان کیفیت، گرانی قیمت و آشنا نبودن صادرکنندگان با مکانیسمها و ظرفیتهای بازرگانی خارجی است. بدین علت نیز عرضه ارز کاهش یافته و نرخ برابری آن افزایش یافته است.

سرمایه به جایی می رود که سودآوری آن بیشتر باشد یا خطر کمتری او را تهدید کند.

کاهش صادرات غیرنفتی خود می تواند ناشی از افزایش دستمزدها، افزایش قیمت سواد اولیه، فقدان مشوقهای صادراتی، ضعف قوانین حمایتی، سنگینی مالیات بر صادرات، ضعف تکنولوژی و ... باشد. (در

جدول ۵ - آمار صادرات نفتی و غیرنفتی

واحد: میلیون دلار

صادرات غیرنفتی		صادرات نفتی		سال
درصد به کل	ارزش	درصد به کل	ارزش	
۳	۵۴۳	۹۷	۱۷۸۶۷	۱۳۵۷
۴/۲	۸۱۲	۹۵/۸	۱۹۳۱۶	۱۳۵۸
۵/۵	۶۴۵	۹۴/۵	۱۱۶۰۷	۱۳۵۹
۲/۷	۳۴۰	۹۷/۳	۱۲۴۵۵	۱۳۶۰
۱/۴	۲۸۴	۹۸/۶	۳۰۰۵۰	۱۳۶۱
۱/۷	۳۵۷	۹۸/۳	۲۰۴۵۷	۱۳۶۲
۲/۱	۳۶۱	۹۷/۹	۱۶۶۶۳	۱۳۶۳
۳/۲	۴۶۵	۹۶/۸	۱۳۹۶۸	۱۳۶۴
۱۳/۳	۹۱۵	۸۶/۸	۵۹۸۲	۱۳۶۵
۹/۷	۱۱۶۱	۹۰/۳	۱۰۷۵۵	۱۳۶۶
۹/۷	۱۰۳۶	۹۰/۳	۹۶۷۳	۱۳۶۷
۸	۱۰۴۴	۹۲	۱۲۰۳۷	۱۳۶۸
۶/۸	۱۳۱۲	۹۳/۲	۱۷۹۹۳	۱۳۶۹
۱۴/۲	۲۶۱۳	۸۵/۸	۱۵۸۰۲	۱۳۷۰
۱۵/۲	۲۹۳۶	۸۴/۸	۱۶۳۴۳	۱۳۷۱

مأخذ:

۱ - محمد، بلوریان تهرانی، بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱) درمورد ارقام تا سال ۱۳۶۸

۲ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، گزارش اقتصادی، و ترازنامه سالهای مختلف، در مورد ارقام سالهای ۱۳۶۹ تا

۱۳۷۱

واردات و صادرات

قاچاق یا عدم ثبت مبادلات بازرگانی در مبادی ورودی و خروجی (گمرکات) باعث بروز اختلاف، در آمار بازرگانی، غیر واقعی شدن آمارها، عدم اطلاع صحیح از میزان واردات و صادرات و از همه مهمتر اختلال در بازار ارز است.

در شرایطی که کالایی به طور قاچاق از مملکت خارج می شود، ارز مربوطه وارد نظام بانکی نمی شود و بدیهی است که صادرکننده، ارز بدست آمده را در بازار سیاه و به قیمت آزاد به فروش می رساند. همچنین وقتی کالایی به طور قاچاق وارد کشور می شود، مقادیری ارز با قیمت آزاد از بازار ارزی خارج شده و تقاضای آن نرخ را بالا می برد.

چه کسانی از تغییر نرخ ارز سود می برند؟

در شرایط ثابت، افزایش نرخ ارز موجب کاهش قیمت کالاهای صادراتی و افزایش فروشهای صادراتی می شود، برای مثال اگر بهای هر دلار ۱۰۰۰ ریال و قیمت یک جفت کفش صادراتی ایرانی ۱۰ دلار باشد و صادرکننده از هر جفت کفش ۱۰۰۰۰ ریال به دست می آورد، در صورت

مطالبات ارزی یک کشور دقیقاً مانند ذخایر ارزی، عمل می کند و افزایش یا کاهش آن باعث کاهش یا افزایش نرخ ارز می شود. در شکل (۳) منحنی X_1, X_2 در وضعیتی است که عرضه بیشتری را نشان می دهد و نرخ R_1 کمتر از نرخ R می باشد. (مطالبات ارزی به مثابه صادرات است)

م - فرار سرمایه ها

سرمایه به جایی می رود که سودآوری آن بیشتر باشد یا خطر کمتری آن را تهدید کند. از زمانی که نرخ ارز در بازار داخلی ترقی قابل توجهی یافت، عده ای از بازرگانان ایرانی با پیش بینی گرانتر شدن نرخ دلار، محل دفاتر خود را به شیخ نشینهای خلیج فارس، یا دیگر کشورهای دنیا، منتقل کرده و عملاً سرمایه ملی را از کشور خارج کرده اند. این گروه برای فرار از مخاطرات ناشی از تبدیل دلار به ریال (به خاطر کاهش ارزش ریال)، عملاً ورود دلار به کشور را محدود و به عبارت اقتصادی عرضه آن را کاهش داده اند و چنانچه گفته شد، کاهش عرضه دلار، باعث افزایش بهای آن می باشد.

مصرف، تزریق پس اندازها به تولید (یعنی سرمایه‌گذاری در واحدهای تولیدی)، جلوگیری از اسراف و تجمل‌گرایی، افزایش کیفیت تولیدات، کاهش ضایعات و پرداخت صادقانه مالیات به وجود آید.

جدول (۶) - موازنه پرداختها

واحد: میلیون دلار

سال	تراز بازرگانی
۱۳۶۷	+ ۱۰۱
۱۳۶۸	- ۳۶۷
۱۳۶۹	+ ۹۷۵
۱۳۷۰	- ۵۵۲۶
۱۳۷۱	- ۱۸۷۱

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، خلاصه

تحولات اقتصادی کشور (تهران: بانک مرکزی، سالهای

۱۳۷۰ و ۱۳۷۱)

افزایش بهای دلار از ۱۰۰۰ به ۱۵۰۰ ریال، صادرکننده می‌تواند، همان ۱۰۰۰۰ ریال درآمد را حتی با کاهش قیمت تا حدود ۶/۵ دلار، نیز تحصیل نماید؛ در این شرایط واردکننده خارجی ممکن است نسبت به افزایش حجم داد و ستد نیز ترغیب شود. حال اگر صادرکننده ایرانی قیمت جدید را در حدی بالاتر از ۶/۵ دلار یعنی مثلاً ۸ دلار قرار دهد، باز هم می‌تواند حدود ۲۰۰۰ ریال بیشتر درآمد تحصیل نماید، یعنی افزایش نرخ ارز می‌تواند باعث افزایش درآمد صادرکننده نیز باشد. نتیجه آنکه افزایش نرخ ارز، یعنی کاهش ارزش پول داخلی، می‌تواند قیمت کالاهای صادراتی در بازارهای جهانی را کاهش داده و در صورت کشش‌پذیر بودن تقاضای صادرات، درآمد ارزی را افزایش دهد.

جمع‌بندی

با عنایت به علل اقتصادی، مانند: تورم، کسری تراز بازرگانی (مذکور در جدول ۶)، هزینه‌های دولت و بالاخره عامل روانی، می‌توان نتیجه گرفت که برای مقابله با تهدید دائمی کاهش ارزش پول ملی، یعنی افزایش نرخ ارز، باید نوعی بسیج ملی در جهت افزایش تولیدات، صرفه‌جویی در

- ۱ - زمانی فراهانی، مجتبی. پول، ارز و بانکداری. تهران: مؤلف، ۱۳۷۱.
- ۲ - عادل، سیدمحمدحسین. نرخ ارز و اصلاحات اقتصادی. تهران: مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی، ۱۳۷۱.
- ۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. گزارش اقتصادی و ترازنامه. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی، سالهای مختلف.
- ۴ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. خلاصه تحولات اقتصادی کشور. تهران: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، سالهای مختلف.
- ۵ - بلوریان تهرانی، محمد. بورس اوراق بهادار و آثار آن بر اقتصاد و بازرگانی کشور. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، ۱۳۷۱.

